



The Dos and don'ts of jurisprudential style of mosque architecture in the Islamic culture

Valiallah Nikfar ¹, Seyed Mousa Mousavi ²

1. Corresponding author, PhD student of Qom Seminary (hawza), Qom, Iran .

Email: valiallahnikfar1399@gmail.com

2. Professor of higher levels of Qom seminary (hawza). Qom. Iran. Email:

mrfm2@yahoo.com

Abstract

The mosque is one of the most prominent structures in which Islamic architecture has been observed throughout history, embodying specific dos and don'ts that must be taken into account. Just as the Holy Lawgiver has introduced rulings for the actions of individuals in all aspects of life, specific architectural guidelines and rulings have also been established concerning many places frequented by Muslims, including the mosque, which holds a particular sanctity. This article aims to identify the indicators and principles of the dos and don'ts of mosque architecture in Islamic culture, drawing from narratives and the practices of the Infallibles (peace be upon them). The findings of the research indicate that, according to Islamic sources, narrations, and the practices of the Infallibles (peace be upon them), there are external architectural indicators for mosques such as the mosque's centrality within the city, courtyards, domes, and the mosque's boundaries. Moreover, there are rulings regarding these aspects in Islamic texts. Additionally, there are internal architectural indicators for mosques, including inscriptions, geometric shapes, and the proportion of the mosque's capacity to the anticipated needs of future generations, which are also reflected in Islamic sources. The research findings also extend to the don'ts, revealing that certain practices should be avoided when constructing mosques, such as: using gold and silver for ornamentation, architectural similarities with churches and the religious sites of other faiths, including images in mosques, and constructing walls in a jagged manner. Furthermore, the mosque should not have characteristics that infringe upon its surroundings; for example, minarets should not overlook neighboring homes. Cemeteries should not be integrated within mosque premises, and restrooms should not be located within the mosque's sacred area due to concerns related to impurity and cleanliness. The mosque's entrance should not face the Qibla, and it should not be built in the path of passage.

Keywords: mosque, mosque architecture, dome, cultural jurisprudence, Islamic culture.

Received:	August 21,2024	Article Type:	Research Paper
Revised:	August 27,2024	Published by:	Hazrat-e Masoumeh University
Accepted:	October 8, 2024	DOI:	10.22034/cjls.2024.2039343.1009
Available Online:	October 14, 2024		

بایدها و نبایدهای فقهی سبک معماری مسجد مطلوب در فرهنگ اسلامی

ولی اله نیکفر*، سیدموسی موسوی^۲

۱. نویسنده مسئول، دانش پژوه سطح چهار (معادل دکتری) حوزه علمیه قم. قم. ایران. رایانامه:

valiallahnikfar1399@gmail.com

۲. استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم. قم. ایران. رایانامه: mrfm2@yahoo.com

چکیده

مسجد یکی از شاخص‌ترین بناهایی است که معماری اسلامی در طول تاریخ در آن رعایت شده است، که مانند دیگر موضوعات اسلامی دارای بایدها و نبایدهایی است که باید مورد مذاقه واقع شود. شارع مقدس همان طور که برای افعال بندگان در تمامی ساحات زندگی، احکامی وضع نموده، در مورد نحوه بسیاری از اماکن اطراف مسلمین از جمله مسجد - که دارای تقدس خاصی نیز می‌باشد - معماری و احکامی معین کرده است. مقاله حاضر درصدد دستیابی به شاخص‌ها و اصول بایدها و نبایدهای فقهی معماری مسجد در فرهنگ اسلامی، روایات و سیره معصومین (علیهم‌السلام) است. یافته‌های تحقیق حکایت از آن دارد که از نظر منابع اسلامی، روایات و سیره معصومین (علیهم‌السلام)، شاخص‌هایی برای معماری مسجد از منظر بیرونی، مانند: مرکزیت مسجد نسبت به شهر، صحن، گنبد، حریم داشتن مسجد و... تعیین شده است و احکامی برای آن در منابع اسلامی وجود دارد. شاخص‌هایی نیز برای معماری مسجد از منظر درونی مانند: کتیبه، شکل هندسی، تناسب ظرفیت مسجد با پیش‌بینی نیاز آیندگان در منابع اسلامی منعکس شده است. هم‌چنین یافته‌های تحقیق منحصر به بایدها نیست و در بخش نبایدها این نتیجه حاصل شد که: در ساخت ساختمان مساجد نباید کارهایی مانند استفاده از طلا و نقره برای زینت، مشابهت ساخت در معماری با کلیسا و اماکن مذهبی ادیان دیگر، طراحی تصویر در مساجد، بنا نمودن دیوارهای مساجد به صورت دندان‌هوار صورت گیرد و هم‌چنین مناره‌ها نباید به صورتی باشد که اشراف به منازل همسایگان داشته باشد. از تعبیه قبرستان در بخشی از مسجد خودداری شود. درب مسجد به سمت قبله نباشد و مسجد در حریم راه بنا نشود.

واژگان کلیدی: مسجد، معماری مسجد، گنبد، فقه فرهنگی، فرهنگ اسلامی

تاریخ دریافت:	۱۴۰۳/۰۶/۰۱	نوع مقاله:	پژوهشی
تاریخ بازنگری:	۱۴۰۳/۰۶/۰۷	ناشر:	دانشگاه حضرت معصومه (علیها‌السلام)
تاریخ پذیرش:	۱۴۰۳/۰۷/۱۷	DOI:	10.22034/cjls.2024.2039343.1009
تاریخ انتشار آنلاین:	۱۴۰۳/۷/۲۳		

یکی از شاخص‌ترین بناهای معماری اسلامی مسجد است و با توجه به اهمیت ویژه‌ی مسجد در اسلام و نظام اسلامی پرداختن به ابعاد و زوایای مختلف معماری آن می‌تواند تأثیر آن را بیشتر و ماندگارتر کند. از مهم‌ترین این موارد نوع معماری و طراحی مسجد می‌باشد. اصول و شاخصه‌های متعددی از نظر معماری در دین مبین اسلام برای یک مسجد مطلوب و تراز اسلامی آورده شده است. که مثلاً مسجد در کجای شهر بنا شود و اینکه مناره و گنبد و سرویس بهداشتی مسجد در کدام جهت مسجد و با چه معیارهایی ساخته شود.

تبیین این امور برای معماران مساجد و مهندسين، اقتضای این دارد که تحقیق جامعی در این‌باره صورت بگیرد. بنابراین سؤال اصلی تحقیق آن است که: بایدها و نبایدهای معماری مسجد در منابع اسلامی چیست؟ با توجه به اینکه مسجد قلب تپنده و نماد فرهنگی و محل اجتماع یک شهر می‌باشد و برنامه‌های عبادی و فرهنگی و سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و نظامی یک جامعه از اینجا مدیریت و انتشار می‌یابد. همچنین فرمایشات رهبر معظم انقلاب در یکی از همایش اجلاس نماز که فرموده‌اند: «نشانه‌های اسلامی باید واضح و آشکار باشد؛ کما اینکه در مهندسی‌های ما باید نشانه‌های اسلامی ما آشکار باشد، صهیونیست‌ها هر نقطه‌ی دنیا که خواستند یک ساختمانی بسازند، آن علامت نحس ستاره‌ی داوود را سعی کردند یک‌جوری رویش تثبیت کنند. ما مسلمان‌ها نشانه‌های اسلامی و مهندسی اسلامی را باید در همه‌ی کارهایمان، از جمله در باب مهندسی بایستی مراعات کنیم.» (۱۳۸۷/۸/۲۹) لذا موقعیت هندسی این بنای مقدس با ویژگی‌هایی که در منابع اسلامی آمده، مثلاً عدالت محوری و ملاحظه نیازهای مردم نقش مؤثری در پیشبرد اهداف اسلامی دارد. لذا ضرورت دارد که تمام شاخصه‌های معماری مسجد مطلوب از نگاه اسلام تدوین و جمع‌آوری شود و حتی برای معرفی نمونه عینی مساجدی که این بایدها و نبایدها در آنها رعایت شده است، مانند: مسجد هامبورگ آلمان که به تلاش زعیم بزرگ جهان تشیع آیه‌الله العظمی بروجردی ساخته شد، نیز معرفی گردد.

الف) جایگاه مسجد در فرهنگ اسلامی

مسجد موضوعی است که قرآن با نگرشی کامل و دیدگاهی جامع بدان آن پرداخته است. نوع عبارت، تأکید و میزان پرداختن به هر موضوعی، بیانگر اهمیت و جایگاه آن در قرآن کریم است. «مسجد» از جمله واژگانی است که قرآن بر آن تأکید می‌کند و ۲۷ بار به صورت جمع و مفرد به آن اشاره کرده است. اینکه قرآن با عباراتی قابل توجه بر مسجد تأکید می‌کند و آن را جایگاهی الهی می‌داند، که باید آلودگی‌های ظاهری و باطنی را از آن زدود. بسیار روشن است که ساختن بنایی به نام مسجد باید بر اساس تقوا، ایمان به خدا و اقامه‌ی نماز قرار گیرد. خداوند می‌فرماید: ﴿مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ. إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَجْشِ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ﴾ (توبه، ۱۷-۱۸)، «مشرکان حق ندارند که مساجد خدا را عمارت کنند؛ درحالی‌که به کفر خویش شهادت می‌دهند. آنانند که اعمالشان به هدر رفته و خود در آتش جاودانند. مساجد خدا را تنها کسانی آباد می‌کنند که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و نماز برپا داشته و زکات داده و جز از خدا نترسیده‌اند». در اهمیت و جایگاه «مسجد» همین مقدار کافی است که دو مسجد بزرگ و با اهمیت در اسلام، سکوی معراج پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) قرار می‌گیرد؛ خداوند می‌فرماید: ﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ (اسراء، ۱)، «پاک و منزّه است خدایی که بنده‌اش را در یک شب، از مسجد الحرام به مسجد الاقصی - که گرداگردش را پر برکت ساخته‌ایم - برد، تا برخی از آیات خود را به او نشان دهیم». پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: «أَحَبُّ الْبِلَادِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَسَاجِدُهَا» (ورام، ۱۴۰۹، ج ۱۶۹)، محبوب‌ترین جای شهرها نزد خدای متعال مساجد شهرهاست». پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از مسجد به عنوان کانونی برای تعلیم و تربیت و هدایت امور اسلام بهره می‌بردند و مسجد مرکز حکومت (عطاردی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۲۹) و نیز مرجع فکری و محل بحث و تبادل اندیشه بوده است. (شیخ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۶۹). با این تفاسیر می‌توان یافت که مسجد چه نقش ارزنده‌ای در اداره‌ی شخصی و اجتماع مسلمین دارد.

مساجد خانه خدا در روی زمین است (صدوق، بی تا، ج ۲، ص ۳۱۹)، که به امر الهی و به دست مبارک پیامبر بزرگوار اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در نخستین روزهای تأسیس حکومت

اسلامی در مدینه بنا نهاده شده و از همان آغاز همچون دین مبین اسلام، جامع و همه جانبه بود. بدین ترتیب مسجد که خود یک نهاد تمدن اسلامی بود به زودی، به عنصر مادی و عینی در کنار عنصر فرهنگی اسلامی تبدیل شد و در تمدن سازی دخیل گشت و به تدریج با توسعه گسترده تمدن اسلامی جای خود را به عنوان نماد اسلام در سراسر بلاد اسلامی باز کرد، به طوری که هر کجا و در هر شهر و قریه‌ای که مسجدی وجود داشت، آن منطقه جزء قلمرو فکری و فرهنگی و سیاسی اسلام شمرده می‌شد. مساجد با کارکردهای متعددی که داشت، آن‌چنان در درون جامعه اسلامی نهادینه شد که مومنان آن را بر خانه‌های خویش ترجیح می‌دادند، در واقع ویژگی اصلی مسجد این بود که هم‌مانند اسلام با همه شئون زندگی مردم سر و کار داشت و البته به همه آنها جهت الهی و دینی می‌داد و این با روح اسلامی نیز سازگار بود.

ب) بایدهای بیرونی معماری مسجد

۱. داشتن گنبد

مسجد به عنوان پایگاهی برای امور اسلامی شناخته می‌شود. از این رو معماری آن با توجه به اهداف خاصی که برای آن در نظر گرفته شده است، باید متمایز از دیگر بناها باشد. این تمییز و تمایز جهات و علل گوناگونی دارد. یکی از این علل تسهیل شناخت مسجد از دیگر بناها می‌باشد. از علل دیگر ایجاد مرکزیت در بنا است، که از جمله راهکارها برای نشان دادن توحید در معماری است. از عناصر موثر در شکل‌گیری مساجد در دوران مختلف که تحت تاثیر مفهوم توحید قرار گرفته، گنبد است؛ این عنصر با نقش بارز خود در زمینه شکل‌دهی مفهومی و نمادین به ایجاد مرکزیت در بنای مساجد، بیانگر آن است که وظیفه خود را به خوبی می‌تواند به منصفه بروز برساند. اهمیت معنوی فضای خلاء در گنبدخانه مساجد یکی از پیامدهای رابطه عمیق و دقیق معنویت و مبانی متافیزیکی اسلام و معماری اسلامی است. برای معماری اسلامی (اگرچه این تنها ثمره اصل توحید نیست) خلاء، سمبل یا نشانه‌ای است که استعلا و حضور خداوند را نمایانگر است. (بمانیان و سیلویا، ۱۳۹۱، ص ۲۳). در ساخت گنبد مسجد باید دقت‌های بیشتری صورت بگیرد.

الف) از جمله اینکه مصالح گنبد از شیشه باشد. (صدوق، ج ۱، ص ۷۴) هم برای

مدیریت انرژی و هم برای ارتباط مصلی با آسمان. در زمان حضرت سلیمان (علیه السلام) نیز یکی از موارد تزئینی استفاده از گنبد‌های شیشه‌ای در بنای مساجد بود. مسجد باید گنبد داشته باشد، ولی غیر مسجد - اماکن دیگر غیر مذهبی - نباید گنبد داشته باشد؛ و روایت مذکور بر این مطلب نیز دلالت دارد. البته در دیگر بناها مربوط به شعائر اسلامی نیز از آنجا که با مسجد وحدت مناط دارند و مقدس هستند ساخت گنبد به قصد تعظیم شعائر مطلوب به نظر می‌رسد - اگر چه عده‌ای از فقهاء قداماء با آن مخالفت کرده اند - مثلاً در قضیه حضرت معصومه (سلام الله علیها) بعد از وفات ایشان بر مزار آن حضرت گنبدی ساخته شد تا نماینگر این واقعیت باشد، که این مکان با دیگر ابنیه فرق دارد. اساساً گنبد به نوعی از تقدس در بین مردم مسلمان اشاره دارد. (مجلسی، بی تا، ج ۴۸، ص ۲۹۰) از این رو ساختن گنبد در غیر مسجد فقط به خاطر تعظیم شعائر مجاز می‌باشد.

ب) یکی دیگر از اموری که در ساخت گنبد شایسته است که مورد توجه باشد، ساخته شدن گنبد در وسط مسجد است. گنبد در مکتب معماری مسلمانان یکی از اصلی‌ترین رمزدازی‌ها در مساجد است، در عناصر معماری هر عنصری، باید هم عملکرد و هم زیبایی داشته باشد. بعضی‌ها گنبد را برای قبله‌یابی می‌دانند در مکتب تشیع، خط عمود منصف بر خط واصل دو گلدسته را، تعیین کننده جهت قبله می‌دانند. نمونه گنبد و گلدسته تعیین کننده جهت قبله معماری گنبد حضرت امام حسین (علیه السلام) و حضرت حضرت عباس (علیه السلام) در کربلا می‌باشند، که معمار خوش ذوق صفوی، به گونه‌ای بسیار زیبا و ماهرانه، کج بودن قبله نسبت به بین الحرمین را حل کرده است و با نماد گنبد و گلدسته، جهت قبله را به خوبی به زائرین نمایانده است. اجرای کج حرمین، دلیلی جز این مطلب نداشته است. والا برای او بسیار راحت‌تر و زیننده‌تر بود که گلدسته‌ها را در جهت بین الحرمین در طرف دو حرم قرار دهد.

ج) شکل ظاهری گنبد باید به گونه‌ای طراحی و معماری شود که یکی از نمادهای اعتقادی مسلمانان باشد. مثلاً دوازده ضلعی گنبد مسجد نشانگر دوازده معصوم (علیه السلام) باشد. و مثلاً: از آنجایی که رنگ سبز، رنگ مذهبی می‌باشد و قبه‌های بهشتی در روایات به عبارت (قبه الخضراء) آمده است بهتر است از باب تشبیه مسجد به بهشت گنبد آن سبز رنگ باشد.

۲. داشتن حریم

با توجه به اینکه دین مقدس اسلام یک دین کاملی می‌باشد و تمامی نیازهای انسان‌ها در قرآن و روایات به وسیله ائمه معصومین (علیهم‌السلام) تبیان شده است. یکی از مهمترین مواردی که در معماری متمدن اسلامی باید لحاظ گردد، رعایت حریم بنایی در تمامی ساختارهای اجزاء یک شهر می‌باشد و از آن جا که مسجد دارای قداست خاصی است، دین اسلام در مورد رعایت حریم این بنای مقدس تأکید کرده است که باید حریم داشته باشد و با تحقیق و تفحص در روایات معلوم می‌شود که مسجد دو نوع حریم دارد:

الف) حریم شکل ظاهری: حضرت امیرالمومنین (علیه‌السلام) در مورد حریم ظاهری مسجد می‌فرمایند: «حریم مسجد از هر چهار طرف چهل ذراع می‌باشد.» یعنی هیچ بنایی در این محدوده نباید ساخته شود. علامه ملا محمدتقی مجلسی در ذیل این حدیث این‌گونه تفسیر کرده‌اند که در این محدوده چهل ذراع شایسته است جایی برای وضو و طهارت ساخته شود همچنانکه در بعضی شهرها این‌گونه مرسوم است و یا اینکه این چهل ذراع حریمی است برای تعظیم و احترام به مسجد که انسان با راکب در آن محدوده تردد نکند. (مجلسی، بی‌تا، ج ۶، ص ۲۴۴).

ب) حریم قدسی: حریم دیگری که برای مسجد در روایات آمده حریم قدسی مسجد می‌باشد. که حضرت امیرالمومنین (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «چهل خانه از هر طرف به عنوان همسایه مسجد محسوب می‌شود.» (حزّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۷۹) که ما آن را با عنوان حریم قدسی ذکر کردیم.

در واقع از این روایت نکات مهمی را می‌شود استفاده کرد:

۱. مساجد محله در چه موقعیت‌هایی و با چه فاصله‌ای می‌تواند بنا شود. و مردم آن محله در مورد سفارش پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) که فرموده‌اند به همسایگان خود رسیدگی کنید تا چه محدوده‌ای مسئولیت دارند. (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۲۳، ص ۸۶).
۲. همچنین کسی که صدای اذان را می‌شنود باید در مسجد حضور پیدا کند.
۳. معماری ساختاری شهرهای کنونی که به خلاف معماری شهرهای قدیمی است نیز مشخص می‌شود که: در ساختار شهرهای قدیمی تقریباً با همین فاصله چهل منزل در هر محله‌ای مسجدی کوچک و یا بزرگ وجود داشت و در حالی که در معماری

شهرهای جدید فرسنگ‌ها فاصله بین دو مسجد وجود دارد، که گاهی چندین و چند برای چهل منزل به شمار می‌آید.

۳. صحن مسجد

طبق بررسی‌های به عمل آمده در این زمینه معلوم شد که حیاط مسجد در روایات با الفاظ (صحن المسجد) و (رحبه المسجد) آمده است. معنی لغوی صحن: مساحت وسط خانه را صحن می‌گویند. و همچنین صحن به مساحت وسط فلات (رشته کوه‌های به هم وصل شده) گفته می‌شود. رَحْبَةُ در لغت: رَحْبَةُ الْمَسْجِدِ با حرکت، مساحت حیاط مسجد را می‌گویند. فراء می‌گوید: به حیاط یا صحن، رحبه می‌گویند به خاطر فضای باز و فراخی‌ای که دارد. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۴۱۴).

یکی دیگر از عناصر مهم معماری مساجد اسلامی، صحن و حیاط است، که به دلیل پیروی از طرح و نقشه اولین مسجد جهان اسلام «مسجد النبی» و با توجه به مطلوبیت نمایان بودن آسمان در فضای عبادی مسجد از نظر شارع مقدس، ایجاد فضای غیر مسقف در قسمتی از مسجد به عنوان حیاط برای تحقق این مطلوبیت ضروری است. مواردی که در روایات معصومین (علیهم‌السلام) و تاریخ مسجد النبی درباره صحن و حیاط مسجد آمده موارد ذیل می‌باشد:

۱. وقتی امام جواد (علیه‌السلام) از بغداد به سوی مدینه رهسپار شد هنگام غروب بود که به مسجدی در منطقه دارالمسیب رسیدند، امام (علیه‌السلام) در آن مسجد فرود آمد و در صحن آن مسجد درخت سدری بود که هنوز بار نداده بود، پس آن حضرت ظرف آبی خواست و در پای آن درخت وضوء گرفت، آنگاه برخاسته نماز مغرب را با مردم خواند. لذا از این مطلب استفاده می‌شود با توجه به اینکه در روایات اسلامی، تاکید زیادی بر درختکاری و فضای سبز شده و از این تاکیداها روشن می‌شود که کاشت درخت مطلوبیت ویژه‌ای دارد و یکی از بسترهای اجرای این مطلوبیت درختکاری در حیاط مسجد می‌باشد و بهتر است درخت‌هایی که بار میوه می‌دهند کاشت.
۲. مطلب دیگر اینکه آب وضو بهتر است هم به خاطر مدیریت انرژی آب و پاک‌بودن آب وضو برای مصرف و آبیاری درختان داخل حیاط مسجد استفاده شود که امر مبارکی است.

۳. همچنین بهتر است که خروجی آب‌های ناودان به فضای سبز داخل صحن. هدایت شود تا مسلمانان اذیت نشوند.

۴. و باز به خاطر رعایت بهداشت محیط پیرامون، آب ناودان مسجد باید به داخل صحن مسجد هدایت شود نه به طرف خیابان و اطراف.

البته این چهار مورد به نوان نمونه بود که فقط از یک روایت مذکور در فوق استفاده شد و الا اگر قرار باشد تمامی این موارد استخراج و ذکر گردد همه آنها در یک مقاله نمی‌گنجد از جمله اینکه:

۵. یکی از مستحبات مؤکد مساجد که در روایت ذکر شده و در رساله‌های عملیه مذکور است این است که قسمتی از خود مسجد - غیر از حیاط مسجد - نیز بدون سقف باشد که بعضی از عبادات و ادعیه - مانند: زیارت سیدالشهدا(علیه‌السلام) - سفارش زیاد شده که آنها در ذیل آسمان انجام گیرد، و اگر بخواهیم هم در مسجد و هم در ذیل آسمان انجام دهیم، استحباب نداشتن سقف در قسمتی از مسجد کاملاً مشخص می‌باشد.

۴. مدیریت انرژی

امروزه مدیریت انرژی در معماری‌ها و ساختمان یکی از اصول مهندسی به‌شمار می‌رود. منظور از مدیریت انرژی هرگونه اقدامی در معماری است که سبب صرفه‌جویی در انرژی شود. مثلاً در معماری رعایت جهات تابش خورشید شود تا بیش از اندازه سبب گرما و استفاده از وسایل برقی نگردد، تا در انرژی صرفه جویی شود. در سیره نبوی(صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیز در برخی مواردی که حرارت بیش از اندازه مردم را اذیت می‌کرد با تغییراتی که در مسجد کردند از شدت حرارت کم شد. وقتی مردم از شدت حرارت به ایشان شکایت کردند پیامبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله) در مسجد ۱۸ ساقه نخل در سه ردیف شش تایی، سه ستون در سمت راست محل منبر و سه ستون در محل چپ منبر قرار دادند و شبستان مسجد را وسعت دادند. (حاج سید جوادی، ۱۳۶۱، ص ۲۵) به همین سبب از شدت حرارت کم گردید. این اقدام نوعی از مدیریت انرژی است. البته مدیریت انرژی منحصر در این نیست. مسجد نیز به عنوان معماری اسلامی باید الگویی برای دیگر سازه‌ها از حیث مدیریت انرژی باشد. در

ساخت آن باید از مصالحی استفاده شود که موجب صرفه‌جویی در انرژی می‌شود. نحوه قرارگیری پنجره‌ها از اموری است که سبب صرفه‌جویی در انرژی می‌شود. اگر پنجره در سمت شرق و غرب بنا شود سبب خواهد شد که نور به حدّ کافی در داخل بنا بتابد، لذا باید طبق بررسی اقلیم جغرافیایی پنجره‌ها را در سمت مشرق و مغرب بنا تعیین کرد تا از تابش خورشید به حدّ کافی در روشنایی و مدیریت انرژی طبیعی بهره برد؛ لازم به ذکر است که در این صورت هوای داخل بنا به راحتی توسط پنجره‌های شرقی و غربی تهویه می‌شود. همچنان که در قرآن درباره غار اصحاب کهف آمده که پنجره‌های غار از سمت مشرق و مغرب بوده و تابش آفتاب و تهویه هوا به نحو احسن صورت می‌گرفت. علامه‌ی طباطبائی در این باره فرموده است که این امر برای حفاظت آن‌ها از تابش مستقیم خورشید و حفظ لباس‌های آن‌ها از پوسیدگی بوده است. (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۳، ص ۲۵۵)

۵. دارالعلم (داشتن مکان آموزشی در مسجد)

یکی دیگر از تحولات مساجد، مدرسه است. در صدر اسلام، مسجد افزون بر محل برگزاری مراسم عبادی، محل دانش‌آموزی نیز به شمار می‌آمد. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و یارانش در مسجدالنبی گرد هم می‌آمدند و از احکام الهی سخن می‌گفتند. باید گفت در گذشته مسجد و مدرسه به اندازه‌ای باهم عجین بودند که در بعضی موارد به جای یکدیگر مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند و این استفاده متقابل تا اندازه‌ای است که اگر بخواهیم از مدارس کهن کشورهای اسلامی سخن بگوییم باید مساجد را مورد توجه و بررسی قرار دهیم. ابعاد آموزشی مسجد پس از جنبه عبادی، بیش از هر جنبه دیگری برجسته و نمایان است. این نقش مسجد، توجه همه پژوهش‌گرانی را که درباره مسجد، سخن گفته، یا اثر علمی نگاشته‌اند، به خود جلب کرده است، البته با بررسی عملکرد و سخنان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به این نتیجه نیز می‌توان دست یافت که ابعاد آموزشی مسجد کاملاً مورد توجه ایشان بوده است. نقش مسجد در فعالیت‌های آموزشی، پس از ورود پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و بنای مسجد آغاز شده، بطوری که با بنای مسجدالنبی، در واقع نه تنها پرستشگاهی برای مسلمانان ساخته شد، که دانشگاهی فعال و سرشار از شور و نشاط علمی نیز پی‌ریزی شد.

به جز سخنرانی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) که معمولاً پس از نماز جماعت برگزار می‌شد،

کلاس‌های آموزشی نیز در اوقات گوناگون از سوی آن حضرت (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در مسجد تشکیل می‌یافت. این کلاس‌ها اختصاص به جوانان و نوجوانان نداشت، بزرگسالان و پیرمردان نیز در چنین جلساتی شرکت می‌کردند. در این جلسات، مسائل گوناگونی به مسلمانان آموزش داده می‌شد مباحث اعتقادی و آموزش مبانی ایمان به خداوند، در شمار اولین مسائلی بود که به مسلمانان و بویژه آنان که تازه به آیین اسلام گرویده بودند، آموخته می‌شد. حضرت ابوذر می‌گوید: رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) ایمان را قبل از آموزش قرآن به ما می‌آموخت. و در عصر امام باقر (علیه‌السلام) و امام صادق (علیه‌السلام) که نهضت و حرکت فرهنگی بزرگی توسط این دو رهبران معصوم (علیه‌السلام) آغاز شده بود، مساجد به رشد و شکوفایی قابل توجهی دست یافت. حتی برخی از آنها به دانشگاه‌های بزرگ اسلامی در زمینه‌های علوم مختلف، نظیر فقه، حدیث، تفسیر و دیگر علوم اسلامی تبدیل شدند و پیدایش نهضت‌های علمی و عقلانی در تاریخ اسلام را موجب گردیدند. و قریب به چهار هزار دانشجو در آن آموزش دیدند و طیف وسیعی از علوم مختلف در آن تدریس می‌شد که تا آن زمان بی‌سابقه بوده است. (فراستی، ۱۳۹۱، ص ۷۷).

با دقت در سیره نورانی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌بینیم که آن حضرت به ابعاد آموزشی مسجد اهتمام ویژه‌ای داشتند. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله وسلم) می‌فرمایند: «كُلُّ جُلُوسٍ فِي الْمَسْجِدِ لَعْوٍ إِلَّا ثَلَاثَةٌ: قِرَاءَةٌ مُصَلٍِّ أَوْ ذَاكِرٌ لِلَّهِ تَعَالَى أَوْ مُسَائِلٌ عَنِّ عِلْمٍ؛ (مجلسی، بی‌تا، ج ۸۰، ص ۳۷۰) هرگونه توقفی در مسجد لغو و بیهوده است، مگر برای سه دسته: کسی که پس از نماز به تلاوت قرآن می‌پردازد، آن که سرگرم ذکر و یاد خداست و کسی که به مباحثات علمی اشتغال داشته باشد».

مساجد باید آن‌گونه که در صدر اسلام و دوران رسالت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ائمه (علیهم‌السلام) مورد استفاده بوده است، همچنان باید پا برجا نگهداری شود. بنابراین اگر با گسترش مراکز علمی، دینی، فرهنگی و مؤسسات مختلف، موجبات تخلیه مساجد از محتوای آموزشی آن فراهم شود و برنامه‌های آن صرفاً در نماز و مراسم عبادی و نیایشی خلاصه گردد، در آن صورت از مسجد طراز اسلامی، فرسنگ‌ها فاصله گرفته‌ایم. در حالی که نماز همواره در قالب علم، روح معنویت کسب می‌کند و معراج مؤمن نمازگزار با دو بال ایمان و معرفت مصداق عملی می‌یابد. از این رو است که با وجود توسعه نهایی علوم، مراکز

و مؤسسات علمی در عصر دولت کریمه حضرت مهدی(عج)، برنامه‌های آموزشی مساجد به هیچ وجه تعطیل نمی‌گردد، بلکه بر رونق آن نیز افزوده خواهد شد.

اگر خوب بنگریم اکنون در عصر ما، مساجد جوامع اسلامی همانند دیگر جوامع از ویژگی‌ها و کارکردهای حقیقی مسجد در صدر اسلام بسیار فاصله دارد؛ برای رسیدن به الگوی مسجد طراز اسلامی نیاز به کم کردن این فاصله‌ها داریم، مسجد طراز اسلامی عهده‌دار نقش‌های مهمی در زمینه عبادی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، تربیتی، آموزش و... است و با مشخص کردن کارکرد مسجد در صدر اسلام می‌تواند بهترین الگودر تهیه و تدوین مسجد جامع طراز اسلامی باشد.

۶. دارالقضا (انجام قضاوت و جوابگویی شکایت مردم)

به گواهی تاریخ، مسجد نخستین مکانی است که پیامبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله) در آن به قضاوت و دادخواهی و حلّ و فصل اختلافات، منازعات و صدور احکام قضایی پرداختند، مکان دیگری جز مسجد برای قضاوت آن حضرت(صلی‌الله‌علیه‌وآله) نقل نشده است. قضاوت، پس از نبی مکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله) همچنان در مسجد انجام می‌شد و این امر، به قدری رایج بود که این سیره بعد از رحلت پیامبر گرامی(صلی‌الله‌علیه‌وآله) ادامه داشت. یکی دیگر از اصلی‌ترین عناصر معماری مسجد، دارالقضا می‌باشد. طبق مجموع روایات و متون فقهی که بررسی شده دارالقضا در زمان صدر اسلام در کنار مسجد یا در حیاط مسجد قرار گرفته بوده است.

قضاوت باید برای تحقق عدالت بین مردم باشد، که یکی از ابعاد شاخص آن، عبارت است از تساوی برخورداری مردم از امکانات قضایی به ویژه از نظر مسافت می‌باشد. یعنی اینکه:

۱. نخستین گام برای رسیدن به عدالت، این است که مراکز قضایی در سطح شهر اسلامی در نقاطی قرار بگیرند که در دسترس مردم بوده و همه‌ی آحاد مردم برای مراجعه به آن، تا حدّ امکان، یک مقدار مساوی از راه و مسافت را طی نمایند. یا لاقلاً تعادل نسبی برقرار باشد. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۳، ص ۳۶۶). همانگونه که امام علی(علیه‌السلام) فرموده‌اند: اگر قضاوت در مسجد باشد به عدالت نزدیکتر است. (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۷، ص ۳۵۸).

۲. با توجه به تعدد مساجد در حدود هر چهل فرسخ - چنانکه قبل توضیح داده شد - به

دست می‌آید که به همین تعداد و همین فاصله نیز نیاز به مراکز قضائی و عدالت‌خانه داریم که متأسفانه اکنون جامعه ما اینچنین نیست.

۳. به ویژه دسترسی طرفین دعوا به قاضی بدون مزاحمت و مانع به قاضی، یکی از مهمترین مطلوبیت‌های احکام اسلامی به شمار می‌رود. (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۸، ص ۸۷) لذا بهترین مکان از نظر موقعیت هندسی در ساختار شهری و محله، همان مسجد است. که مورد تصریح و تاکید روایات قرار گرفته است. به ویژه اینکه این امر به مرکزیت مسجد باشد. چرا که حکمت اجرای عدالت اجتماعی توسط قاضی در نظام قضایی اسلام، در این نوع مرکزیت تبیین شده است. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۳، ص ۳۶۶).

۴. از طرفی قاضی هنگامی که در اندرون مسجد اقدام به قضاوت می‌کند و از طرف دیگر شاکی و متشاکی نیز هنگامی که در داخل مسجد اقرار و ادعا نسبت به شکایت خود می‌نمایند، حضور در داخل مسجد خود وجهی است که هم قاضی و هم طرفین دعوا در گفتار و قضاوت خود خداوند متعال و عدالت را بیشتر مدّ نظر بگیرند.

گسترده‌گی و اهمیت قضاوت در مسجد، در دوران اولین ساختار حکومت اسلامی پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در دورام حکومت امیرالمومنین (علیه‌السلام) شکل گرفت که ایشان دکه القضایی را در مسجد کوفه برای امر قضاوت در نظر گرفتند. (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۱۲) با اجرای این عملکرد حلاوت قضاوت عادلانه روز به روز کام مسلمانان را بیش از پیش شیرین‌تر می‌کرد.

۷. جایگاه مسجد در سیمای شهر

مساجد از صدر اسلام با اهمیت‌ترین فضای معماری اسلامی به‌شمار می‌رود. چون به عنوان معبد و ملجا و ماوای مسلمین و پاک‌ترین و مقدس‌ترین مکان می‌باشد. لذا جهت مراجعه به این مکان باید از هر نقطه شهر دیده شود. معمولاً اسلام در هر کجا که می‌خواست بروز و ظهور کند با احداث مسجد در آن منطقه حاکمیت خود اثبات می‌کرد. چون یکی از بارزترین تجلی نماد دین مقدس اسلام، مسجد می‌باشد. که با ساختن آن و نمایان بودن آن بیانگر هویت اعتقادی و اندیشه توحیدی یک شهر را نشان می‌دهد. مساجد بر اساس ادبیات روایات مانند کعبه معظمه به عنوان بیوت‌الله معرفی شده و به حرمت

مساجد و تعظیم مساجد مانند حرمت کعبه معظمه سفارش شده است. در روایتی پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرموده‌اند: «مساجد در روی زمین به عنوان خانه‌های خدا می‌باشند و مساجد برای اهل آسمان می‌درخشد همانگونه که ستارگان برای زمین می‌درخشند.» (علامه مجلسی، بی‌تا، ج ۲۳، ص ۳۲۶)

سیمای مسجد محوری‌ترین بحث معماری در شهرهای اسلامی است که با خط آسمان تعریف می‌شود (عقلمند و نیکو، ۱۳۹۷، ص ۵) چرا که از یک طرف دارای نمودی اجتماعی است و از طرفی بیانگر روحیه اعتقادی و ایدئولوژیک یک شهر را می‌رساند. بنابراین مساجد نیز با داشتن خط آسمان مشخص می‌تواند علاوه بر القای حس معنویت در افراد باعث کاهش اغتشاشات فکری و تلطیف ناهنجاری‌های روانی اهل شهر شوند. با تحقیق و تفحص در روایات به دست می‌آید که ارتباط بصری در تاثیرپذیری از حالات روحی نقش بیشتر دارد. لذا معماران با تنظیم درست خط آسمان مساجد می‌توانند در سطح شهر حس معنویت را بیش‌تر در افراد القا کنند. چون درک انسان از فضا را که متأثر از یافته‌های عصبی مغز است، تحت تاثیر قرار دهند. بنابراین مرتفع‌تر از مسجد بنایی ساخته نشود. فقط مسجد می‌تواند به عنوان نماد اسلامی در یک شهر بالاتر از خط آسمان باشد. چون زیربنای هویت یک شهر اسلامی با توجه به همین شاخص شناخته می‌شود. که متأسفانه اکنون این قوانین و قواعد رعایت نمی‌شود و ساختمان‌ها سربه فلک کشیده در شهرها ساخته می‌شود.

ج) نبایدهای بیرونی معماری مسجد

در این قسمت به برخی نبایدها در معماری مسجد پرداخته می‌شود.

۱. عدم اشراف مناره به همسایه‌ها

یکی از اموری که در معماری مسجد باید مراعات شود، عدم اشراف مسجد به همسایه‌ها است. همچنین مناره به اندازه‌ای بلند نباشد که به همسایگان اشراف داشته باشد. در روایات نیز این موارد شده است اولاً: از بلند بودن مناره نهی شده است. و ثانياً: مناره نباید در وسط مسجد بنا شود بلکه در دیوار مسجد بنا شود تا فضای مسجد به وسیله مناره گرفته نشود. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۴، ص ۸۰) اما از آنجایی که مفسران، مناط و علت بلند نبودن آن را اشراف

به خانه‌های همسایه می‌دانند پس در صورت عدم اشراف، بلند بودن آن اشکالی ندارد در مواردی که علت و حکمت نهی موجود نباشد، حکم هم از بین می‌رود و می‌توان مناره را بلند ساخت (مانند مسجدهای بین‌راهی). بنابراین می‌توان گفت هر کدام از عناصر و اجزاء مسجد از لحاظ نوع معماری نباید به همسایگان اشراف داشته باشد که موجب ایداء و اذیت آنان شود حتی این موضوع در مورد دیوار مسجد هم آمده که نباید اشراف به همسایه باشد. (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۳۲۵).

نکته‌ی دیگری که در مورد همسایه‌ها باید مراعات شود این است که مسیر ناودان مناره نباید به گونه‌ای باشد که سبب آزار و اذیت آنها شود. چون بر اثر باریدن باران بر سقف مسجد، گرد و خاک پشت بام پاک می‌شود و آب باران با مواد کثیف و زائد، آغشته می‌گردد و نباید مسیر ناودان طوری باشد که موجب آزار و اذیت همسایگان شود. در روایات صراحتاً به برخی از این موارد اشاره گردیده است.

البته می‌توان گفت: اینگونه تذکرات در روایت به عنوان مصداق است، یعنی اینکه کلاً ساختار ظاهری مسجد نباید طوری باشد که سبب آزار و اذیت همسایگان گردد.

البته مورد روایت در مورد منزل می‌باشد؛ اما تفاوتی از این جهت بین مسجد و منزل نیست، چرا که علت آن اذیت نشدن مسلمین می‌باشد و این امر در منزل و مسجد باید مراعات گردد. ناودان‌ها، باید به صورت عمودی و به دیوار چسبیده، به سمت پایین طراحی شوند تا ناخواسته موجب اذیت و آزار دیگران نگردند. بر این اساس، روایت شده که امام زمان (عج) در زمان ظهور، تمام ناودان‌هایی را که به صورت افقی هستند، از بین می‌برد. (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۸۵) هم‌چنین نباید در داخل صحن مسجد بریزد. در مقابل ناودان‌های همسایه مسجد وقتی ناودان باید با این نظم خاص، طراحی شود تا مزاحم دیگران نگردد، خروجی‌های دیگر نیز مثل خروجی فاضلاب، به طریق اولی باید به شکلی باشد که اولاً معلوم و محسوس نباشد و ثانیاً: به بهترین شکل از سمت مسجد به سمت محل فاضلاب شهری یا چاه فاضلاب خارج شود تا برای جامعه و همسایگان، ایجاد مزاحمت نکند.

۲. دندانه‌وار نبودن دیوار مسجد

یکی دیگر از شاخص‌های اصلی معماری اسلامی که باعث تمایز آن با دیگر اماکن داندانه

وار نبودن دیوار مساجد می باشد و این تمایز یا نسبت به سایر بناهای مسلمانان می باشد و یا با بناهای غیر مسلمانان و تمایز مسجد با سایر بناهای مسلمین با صورت های مختلف صورت می پذیرد و در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) آمده که حضرت فرمودند: حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در کوفه مسجدی را مشاهده کردند که دیوارهای آن مانند عبادتگاه ها و مساجد یهود کنگره دارد، حضرت (علیه السلام) فرمودند: مساجد را کنگره دار نباید ساخت، بلکه دیوار آن را هموار و صاف باید ساخت. لذا ما امر شده ایم به اینکه مساجد را به صورت بدون دندان و بدون کنگره دار بنا کنیم. علامه مجلسی و صاحب جواهر در تبیین حدیث «أَمْرُنَا أَنْ نَبْنِيَ الْمَسَاجِدَ جُمَّا» (علامه مجلسی، بی تا، ج ۸۰، ص ۳۵۳) فرموده اند: منظور آن چیزی است که به صورت تاج دار در بالای دیوار بنا می کنند. و دیوار را از حالت استوا و هموار بودن خارج کرده و به صورت دندانوار در می آورند. (نجفی، ۱۴۰۴ق؛ ج ۱۴، ص ۱۰۸) که امام علی (علیه السلام) می فرمایند: اگر مساجد به صورت دندانوار ساخته شود شبیه کنیسه و معابد یهود و نصاری می شود. در حالی که از تشبه به معابد یهود و کنیسه نصاری نهی شده است.

یعنی اینکه نوع معماری مسجد نه تنها با نوع معماری خانه و شهر فرق دارد بلکه با نوع معماری دیگر ادیان نیز فرق دارد و بایستی در حقیقت معماری منحصر به فرد برای خود داشته باشد...

۳. عدم بنای قبرستان سمت قبله مسجد

با توجه به اینکه احترام میت، مانند انسان زنده لازم است. (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق. ج ۴، ص ۷۴) به این خاطر در جامعه مسلمین مکانی را برای دفن میت مسلمانان در آن منطقه قرار می دهند که قبرستان نام دارد.

طبق منابع روایی و فقهی از قرار گرفتن قبرستان در سمت جنوبی مسجد نهی شده است و برای آن دلایلی ذکر گردیده است:

۱. از آنجایی که طبق متون فقهی و منابع اسلامی نماز خواندن به سوی قبر و قبرستان نهی شده، لذا در طراحی ها، مسجد باید در موقعیتی قرار گیرد که قبرستان در سمت جنوبی مسجد واقع نشود. چون در روایات بسیاری وارد شده است که به سمت

مقابر و قبور نماز نخوانید، لذا مسجد نباید در جایی بنا گردد که قبرستان در مسیر قبله‌اش واقع شود. از حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) نقل شده است که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمودند: «قبر مرا مسجد قرار ندهید و همچنین خانه‌هایتان را قبر نکنید و بر من هر جا که باشید نماز بخوانید چرا که نماز شما و سلام شما به من می‌رسد». (مجلسی، بی‌تا، ج ۸۰، ص ۳۲۴). البته اگر نماز بین قبور باشد مادامی که در سمت قبله قرار نگیرند اشکالی ندارد؛ بنابراین طبق حدیث و متون فقهی با توجه به اینکه مسجد برای سجده بنا شده است و کمترین حریم بین مسجد با قبرستان ده ذراع می‌باشد، پس بر روی قبور و در کنار قبور، نباید مسجد بنا شود و با توجه به حدیث مستحب است بین مصلی و قبور از هر سه جانب (از یک جانب - از دو جانب، بنا بر اختلاف در روایات و فتاوا) ده ذراع فاصله باشد، لذا برای اینکه نمازگزاران بتوانند این عنوان را لحاظ کنند باید مسجد را حداقل در فاصله ده ذراعی قبرستان ساخته شود، یعنی اگر هر اندازه فاصله بین مسجد و قبرستان زیاد باشد مطلوبیت بیشتری دارد.

۲. ظاهر این است که اگر قبرستان در قسمت جنوبی مسجد قرار گیرد، اموات رو به قله و پشت به مسجد مدفون می‌شوند و یکی از عللی که قبرستان نباید در قسمت جنوبی مسجد قرار بگیرد این است که: پشت اموال به محل سجد و مسجد که محل مبارک و مقدسی است قرار می‌گیرد و لذا بسیاری از فقهاء قرار گرفتن مسجد در قسمت شمالی را اشکال نمی‌دانند.

۳. همچنین بعضی از فقهاء قرار گرفتن قبرستان در طرف غرب مسجد را نیز از این باب که میت هنگام دفن پاهای او به طرف مسجد و محل سجده که مقدس است دراز می‌کنند را نیز اشکال کرده‌اند، اما از نظر آنها قرار گرفتن قبرستان در قسمت شمال و شرق مسجد و محل دفن امام (علیه‌السلام) و امام زاده (علیه‌السلام) اشکال نمی‌دانند، چنانکه بین و آشکار است که در طول تاریخ تشیع در اطراف قبور امام‌زاده‌ها و مساجد، خصوصا حرم حضرت معصومه (علیها‌السلام) از طرف شرق و شمال قبرستان وجود داشته است.

۴. بنا نکردن سرویس بهداشتی در حریم مسجد

یکی از قسمت‌های اجتناب‌ناپذیر مساجد که در رعایت بهداشت افراد اهمیت فراوانی دارد، وضوخانه و سرویس‌های بهداشتی آن است. در طراحی و ساخت مسجد، باید محل مناسبی برای وضوخانه و دستشویی مسجد در نظر گرفته شود. این محل باید از نظر مکانی با درب ورودی مسجد فاصله داشته باشد، یا حتی الامکان درب جداگانه‌ای داشته باشد. تا بدین طریق بتوان از انتقال آلودگی‌ها به داخل مسجد جلوگیری کرد.

در احادیث اسلامی توصیه شده که مستراح (توالت) را در جایی که زیاد در معرض دید نباشد و پوشیده است بسازند. در این توصیه به الهام گرفتن از نظام آفرینش اشاره شده است. در سیره و آداب پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) آمده است که: هر موقع ایشان اراده می‌کردند سرویس بهداشتی بروند مقید بودند که به خاطر احترام کعبه که بزرگترین نشانه‌ی خداوند است رو به قبله و پشت به قبله نشینند. و همچنین در ساخت توالت در افنیه مساجد که از هر طرف چهل ذراع می‌باشد اجتناب می‌کردند. چون افنیه مساجد که ۴۰ ذراع می‌باشد جزء حریم مسجد می‌باشد، که باید مانند خود مسجد، و احکام مسجد که یکی رعایت نظافت می‌باشد در آن باید رعایت شود. (مجلسی، بی‌تا، ج ۷۷، ص ۱۹۵) لازم است برای اینکه احترام مسجد و نیز حفظ بهداشت و جلوگیری از تسری بوی بد مستراح به حریم مسجد جلوگیری شود، مستراح باید بیرون از مسجد و حتی بیرون از حریم مسجد که ۴۰ ذراع می‌باشد بنا شود. و همچنین مطلوب این است که به خاطر حفظ پاکیزگی و عدم ورود نجاست به حریم مسجد، سرویس‌های بهداشتی با فاصله پانزده قدمی از حریم بنایی مسجد، ساخته شود. و لازم است کف محدوده‌ی فاصله بین حریم ۴۰ ذراعی مسجد و سرویس بهداشتی از چیزهایی باشد که پاک‌کننده است. مثل خاک و غیره و از موادی مانند آسفالت نباشد، چون نجاست را برطرف نمی‌کند.

۵. تعبیه نکردن درب مسجد سمت قبله و متعدد بودن درب‌های مسجد

اهمیت ورودی مساجد جهاتی از قبیل تشخیص مسجد، کیفیت فضایی، نحوه اتصال درون و بیرون، چگونگی ایجاد حریم، محور قبله و تقارن را شامل می‌شود.

۱. ورودی مساجد برای اینکه جنبه دعوت به داخل مسجد داشته باشند، از بیرون

تزیینات بسیاری دارند. در حالیکه در حیاط و داخل مسجد برای اینکه عبادت کنندگان را تحت تاثیر خروج از مسجد قرار ندهد، تزیین بسیار کم است.

۲. ورودی مسجد به جهت اهمیتی که دارد معماری‌ها متفاوتی نیز دارد، مثلاً: سردر مساجد نسبت به اطراف خود شاخص‌تر، حجیم‌تر و بلندتر است. بدین ترتیب انسان در مقابل مقیاس بزرگ و چشمگیر سردر، با تحسین این عظمت خود را بنده حقیری در بارگاه متعالی خداوند می‌یابد. همچنین تزیینات سردر مفصل‌تر از بقیه قسمت‌های ورودی است. خطاطی آیات قرآن، کاشی‌کاری، کاربندی و مقرنس کاری از جمله این تزیینات هستند.

۳. یکی از مهمترین اموری که لازم است در امر معماری درب مساجد مورد توجه گیرد این است که: درب مسجد به سمت قبله تعبیه نشده باشد، چون با توجه به اینکه در حدیث و متون فقهی نماز خواندن به طرف درب باز مکروه است و مطلوب شارع این است که موقع نماز خواندن هرآن چیزی که حواس انسان را مشغول می‌کند و از یاد خدا غافل می‌سازد در سمت قبله نباشد، بنابراین معماری مطلوب ایجاب می‌کند که درهای مسجد در سمت قبله تعبیه نشود. (خراسانی، ۱۳۸۱ ج ۱۴، ص ۳۳).

۴. باز هم از مهمترین امور این است که: مسجد حداقل دارای دو درب باشد و به طوری تعبیه شده باشد که بتوان از یک درب وارد و از درب دیگر خارج شد، چرا که بعضی از احکام شرعی - مانند ورود و خروج حائض و جنب - لازمه این را دارد که از یک درب وارد و از درب دیگر خارج شود و لذا این احکام لازمه این را به وجود می‌آورد که مسجد حداقل دارای دو درب باشد، اگرچه بیش از دو درب برای مساجد نیز در روایات وارد شده و ظاهراً استحباب نیز دارد.

د) بایدهای درونی معماری مسجد

در این قسمت به بایدهای مربوط به معماری مسجد از منظر درونی خواهیم پرداخت.

۱. منقش و کتیبه‌دار بودن دیوار مسجد

کتیبه یعنی آنچه به خط جلی نسخ یا نستعلیق و یا به خط طغرا و یا به خط کوفی بر دوره دیوار مساجد و مقابر و اماکن متبرکه یا سردر دروازه امرا و بزرگان می‌نویسند و یا نقش کنند. (دهخدا،

بی‌تا، ص ۶۸۶۶۱) وجود کتیبه‌ها در معماری اسلامی از مهمترین مؤلفه‌ها است. چون کتیبه در هنر و معماری اسلامی رساننده فضای قدسی، با بیانی تصویری برای شرافت بخشیدن به ماده است. و نوشتن این کتیبه‌ها، ماده‌ی دارای ابعاد را معنوی و الهی می‌گرداند. و هنرمندان مسلمان با تأسی به مبانی دینی و اعتقادی خود تلاش می‌کنند تا با کمک نوشتن کتیبه‌ها فضایی آرام‌بخش روحانی و معنوی را ایجاد کنند. با توجه به اینکه تزئینات تصویری، در معماری مساجد در اسلام نهی شده است. (طوسی، ۱۳۸۷؛ ج ۱، ص ۱۶۰) همین امر سبب گردید که معماران اسلامی به دیگر تزئیناتی که سبب ذکر خدا می‌شوند روی آورند. کتیبه‌ها یکی از شاخص‌ترین تزئیناتی هستند که به دلیل خاصیت پیام‌رسانی مستقیم، از بین دیگر تزئینات زودتر نظر بیننده‌ی عام را به خود جلب می‌کنند. مجموعه‌ای از کلمات و حروف در هم پیچیده و همراه با دیگر تزئینات که گاهی اوقات در هم تنیدگی حروف آن‌ها به قدری است که خواندن آن برای بیننده مشکل و گاه نیز امکان‌ناپذیر می‌نماید. اما با این حال همین نگاه کردن با چشم بدون خواندن عبارت - قرآن یا روایت و یا دعای منقوش در آن - آرامش و عبادت محسوب می‌شود.

کاربرد کتیبه‌ها در دوره‌های مختلف با انواع خطوط در قالب گچ و سنگ و گل و کاشی، به صورت برجسته و یا تخت، با نقش و نگارهای گیاهی و در قالب مفاهیم و مطالب متنوع اعم از ادبی، تاریخی، مذهبی و دینی چنان آذین‌گشت که از لحاظ محتوایی و تاریخی و زیبایی‌شناسی از اهمیت درخوری برخوردارند. «و فور کتیبه‌های قرآنی بر دیوارهای مساجد و دیگر بناها یادآور این واقعیت است که کل حیات اسلامی با نقل قول‌هایی از قرآن در هم تنیده است و تلاوت قرآن و همچنین ادعیه، اوراد و اذکار مأخوذ از قرآن، پشتوانه معنوی این زندگیت.» (رحمتی، ۱۳۹۰، ص ۲۲۳)

کتیبه‌های منقش بر در و دیوار درونی مساجد و مدارس مذهبی، شخص مومن را نه تنها به یاد معانی کلمات آن می‌اندازد، بلکه او را متوجه صور روحانی آن و فیضان با جلال و قدرت معنویت نام و کلام خاندان رسالت می‌کند که در کتیبه‌ها انعکاس یافته است. بدین ترتیب خوشنویس مسلمان به محیط انسان و مخصوصاً معماری جنبه اعتدال و متانت و بصیرتی عقلانی می‌بخشد و به انسان خاطر نشان می‌کند که همه چیز اثر حقیقت الهی است. (صحرارگرد، ۱۳۸۶، ص ۱۲۵) در کتیبه از خطوط اسلامی استفاده می‌شود که دو خصوصیت عمده را می‌توان برای آن برشمرد:

اول اینکه: حروف در این خطوط دارای معانی رمزگونه بوده و به اعتقاد برخی از عرفای اسلامی دارای ارزش‌های نمادین و رمزی هستند. (مثلاً حرف الف به واسطه فرم عمودی‌اش، رمز جلال الهی است) و شاهدی روشن در این زمینه حروف مقطعه قرآن است. با الهام گرفتن از این روایات معصومین (علیهم‌السلام) می‌توان مساجد را که بهتر بقعه‌ها و محبوبترین مکان‌ها است در این دنیا تشبیه به بهشت کنیم و در سر مساجد، مکتوبات را به صورت کتیبه بنویسیم. به این ترتیب خوشنویسی با بیان نمادین خود جایگاهی ویژه در معماری و عمدتاً مساجد می‌یابد. معماران با خلاقیت‌های خود اشکال حیرت‌انگیزی را از این خط در بخش‌های مختلف مسجد به کار برده و مسجد را به صورت کلام خدا در آورده‌اند. داشتن تناسب دقیق و خاص خطوط اسلامی و فرم و قابلیت‌های گرافیکی متنوع آن‌ها نیز موجب می‌شود که خطوط از لحاظ بصری و فرمی جذاب باشند و هر خطی با توجه به ویژگی‌های گرافیکی آن حالات خاص را برانگیزد، مثلاً: خط ثلث که به دلیل داشتن حروف درشت و حرکات نرم قلم بیشتر در کتیبه‌نگاری مورد استفاده قرار می‌گیرد، الف‌هایی کشیده دارد و خطوط عمودی در آن بیشتر به نظر می‌آید.

۲. تفکیک بودن مکان بانوان از آقایان

حضور زنان و مردان در مسجد، موجب زنده نگه داشتن شعائر الهی می‌شود؛ چنان که ائمه اطهار (علیهم‌السلام) تأکید و تشویق فوق‌العاده‌ای نسبت به رفت و آمد به مساجد و حضور مستمر در آن کرده‌اند؛ زیرا بزرگداشت شعائر آسمانی و گرامی داشتن آیین دینی نشانه دینداری و پایبندی به مقدسات آن است. این مطلبی است که شامل بسیاری از باورهای دینی می‌شود که احترام به مساجد، از آن دسته است. در منابع روایی اسلام، روایات زیادی وجود دارد که همگی مشعر بر این است که مساجد متعلق به تمام مردم اعم از زن و مرد است. روایاتی از قبیل اینکه مساجد، خانه پرهیزگاران است. (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۳۶۳) مساجد بازاری از بازارهای آخرت هستند، پذیرایی آن مغفرت و تحفه‌اش بهشت است. (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۳۶۱) مسجد خانه هر مومنی است. (المتفی الهندی، ۱۴۰۱، ج ۷، ص ۶۵۰) با اندکی دقت در روایات ذیل، به روشنی درمی‌یابیم که میان مرد و زن هیچ‌گونه تفاوتی وجود ندارد؛ زیرا واژه‌هایی مانند، انسان‌های با تقوا، مؤمن، متقین، اهل مسجد، منع نکردن و جز

آن، اختصاص به گروه خاصی ندارد و برای عموم مسلمانان است. آنچه روشن است و از سیره معاصرین عصر رسالت نیز می‌توان دریافت، حضور زنان در نماز جماعت مسلمانان و در مسجد است. لذا نحوه‌ی جایگیری و قرارگیری زن و مرد به هنگام نماز خواندن در یک فضای بنایی دارای حالات و فضاهای متعددی است که احکام هر کدام در فقه شیعه بین شده است. (علامه حلی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۱۱۸) برای اینکه زمینه کراهت در چنین شرایطی از میان برود، باید عملکردهای مربوط به تفکیک فضای نماز زن و مرد را به اجرا درآورد. بنابراین، معماری مطلوب اسلامی ایجاب می‌کند که فضای نماز خواندن زنان از مردان تفکیک شود. عملکردهای متعددی مانند (مقاصیر النساء) برای این طرح وجود دارد که به تناسب شرایط مختلف می‌توان از آنها استفاده کرد.

۳. تناسب فضای مسجد (با پیش‌بینی ظرفیت مورد نیاز آیندگان)

نکته‌ای که در برخی روایات به آن اشاره شده است این که: در ساختن مسجد نباید تنها نیاز فعلی مردم را در نظر گرفت، بلکه باید تا حدّ امکان نیاز آیندگان را مدنظر داشت تا کمتر نیاز به تخریب مسجد برای توسعه مکان آن باشد. در روایتی از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) آمده است که پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بر گروهی از انصار که برای خود مسجدی می‌ساختند وارد شد و فرمودند: «وسیع و جادار بنایش کنید که در آینده آن را پر خواهید کرد.» (بیهقی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۶۱۶، ح ۴۳۰۶)

آینده‌نگری از اصول مهم شهرسازی و معماری اسلامی است که باید در برنامه‌ریزی و طراحی شهر و بناهای عمومی مثل مسجد مورد توجه قرار گیرد. طبق مفاد حدیثی که در بالا ذکر شد، مساحت مسجد باید متناسب با سرانه جمعیت باشد و جایی برای توسعه در بناها اعم از مسجد در نظر گرفته شود، همچنانکه پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) مسجد را در طی سه مرحله به علت ازدیاد جمعیت توسعه داد. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۹۳).

گذشته از اینکه مساحت مسجد باید متناسب با جمعیت باشد منبر نیز باید متناسب با جمعیت و مساحت مسجد ساخته شود. با توجه به اینکه در زمان صدر اسلام مسلمین کم بود و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) کنار آنها سخنرانی می‌کرد، اما بعدها به خاطر زیاد شدن مسلمانان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در میان مردم دیده نمی‌شد بعضی پیشنهاد دادند که برای

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) منبری بسازند و از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در این باره سؤال کردند و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) اجازه داد تا اینکه برای او منبری بسازند که متناسب با مساحت مسجد و جمعیت باشد.

۴. موقعیت هندسی منبر

یکی دیگر از اموری که در معماری داخل مسجد مهم می‌باشد این است که: منبر در سمت قبله مسجد واقع شود. با توجه به اینکه نشستن به سمت قبله به صورت کلی مستحب می‌باشد. و در مورد خصوص مسجد نیز به خصوص روایت می‌فرماید که: رو به قبله نشستن مستحب می‌باشد. (مجلسی، بی‌تا، ج ۸۰، ص ۳۸۰)، و از آنجایی که یکی از کاربری‌های مسجد خطابه و موعظه گفتن می‌باشد و در حدیث هم آمده که: رو به واعظ و رو به قبله نشستن مطلوبیت دارد، (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۲۵) به این خاطر منبر باید در سمت قبله مسجد طراحی شود تا این استحباب و مطلوبیت نشستن به سمت قبله به آسانی تحقق پیدا کند.

هـ) نبایدهای درونی معماری مسجد

در این بخش به نبایدهای مربوط به معماری مسجد از لحاظ درونی خواهیم پرداخت.

۱. عدم بنای محراب داخل دیوار

محراب، مکان و طاق‌نمایی در دیوار مسجد است که جهت قبله را نشان می‌دهد، هنگامی که پیشوای دینی یا پیش‌نماز، نماز را به صورت جماعت برگزار می‌کند، در اثنای نمازگزاران در آن مکان (محراب) می‌ایستد. محراب در مساجد در ضلع جنوبی دیوار مسجد و رو به قبله نمازگزاران، و در وسط دیوار قبله‌ی مسجد بنا می‌شود. به طوری که با ایستادن امام یا پیش‌نماز، رویش به سمت قبله می‌باشد. طرز قرار گرفتن محراب، جهت قبله را در داخل مسجد مشخص می‌کند، همان‌گونه که صاحب جواهر در مورد شناخت قبله می‌فرماید: از نشانه‌های قطعی اثبات قبله، محرابی است که به دستور معصومین (علیهم‌السلام) بنا شده و یا در آن نماز خوانده باشد. (نجفی، ۱۴۰۴ق؛ ج ۷، ص ۳۸۴) از برخی آیات قرآن مجید استفاده می‌شود که در شرایع قبل نیز مکانی به عنوان محراب و محل عبادت وجود داشته است، لفظ

محراب چهار بار (سوره آل عمران، ۳، آیه ۳۷، ۳۹؛ سوره ص، ۳۸، آیه ۲۱؛ سوره مریم، ۱۹، آیه ۱۱) و محاریب (جمع محراب) (سوره سبأ، ۳۴، آیه ۱۳) در قرآن به معنی جایگاه نماز به کار رفته است، لذا «محراب» شریف‌ترین جای مسجد است، (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۲۵). محراب به شکل کنونی در صدر اسلام و در زمان پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) موجود نبوده است. محراب کنونی جایگزین صفحه سنگی یا چیزی دیگری شده که جهت قبله یا جایگاه امام جماعت و سمت قبله را به مامومین را نشان می‌داده است. (نجفی، ۱۴۰۴ق؛ ج ۷، ص ۳۸۴) برخی احکام مرتبط با محراب در کتاب‌های فقهی مطرح شده است.

۲. مطلوبیت گود بودن محراب مسجد

راغب اصفهانی در مورد محراب می‌گوید: محراب در تعبیر اهل معنا محل حرب با شیطان و نفس اماره را گویند. به همین دلیل در مذهب شیعه آن را گود می‌سازند؛ تا از بروز غرور در نفس امام جماعت جلوگیری کند. البته از منظر فقهی گودی محراب به این خاطر است که، مکان ایستادن امام باید از محل ایستادن مامومین بالاتر نبوده و حداقل مساوی باشد؛ لذا در مسجد باید کف محراب عبادت از محل ایستادن مامومین پایین‌تر باشد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲؛ ص ۲۲۵). علامه حلی در کتاب «سراثر» بیان می‌کند که جایز است که محل ایستادن امام جماعت پایین‌تر از مکان ماموم باشد، (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۸۳) لذا از این جواز، گود بودن محراب و جایگاه امام جماعت از آن استفاده می‌شود. و این که مشاهده می‌شود در بعضی مساجد، محراب مسجد گودتر از بقیه سطح مسجد است، (اشتهاردی، ۱۴۱۷، ج ۱۴، ص ۱۱۸) نه به خاطر استحباب آن می‌باشد، بلکه به خاطر این است که مامومین در صورت نیاز در جاهایی مانند حیاط مسجد یا کوچه‌های اطراف مسجد که پایینتر از سطح مسجد است، بتوانند به امام جماعت اقتدا کنند. لذا جایگاه امام جماعت نباید بلندتر از مکان ماموم باشد. (نجفی، ۱۴۰۴؛ ج ۱۳، ص ۱۶۵) و در برخی از مساجد به جهت رعایت این مسئله در زمان اتصال صنفوف به صحن یا جاهای دیگر مسجد که سطح پایین‌تری دارند، در ساخت محراب، مقداری آن را داخل زمین قرار می‌دهند. خاطرنشان می‌شود علت این حکم، روایاتی است که از امامان معصوم (علیهم‌السلام) نقل شده است. (طوسی، ۱۳۸۷؛ ج ۱، ص ۱۶۰).

۳. نساختن محراب مساجد داخل دیوار

شیخ صدوق از طریق سعد بن عبدالله در یک روایتی از سیره و روش حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل می‌کنند که امیرالمؤمنین (علیه السلام) محراب مساجد را در هر کجا که می‌دیدند خراب می‌کردند می‌فرمودند: گویا محاریب کشتارگاه‌های یهود می‌باشند. (شیخ صدوق، بی تا، ج ۲، ص ۳۲۰) شهید اول، محمد بن مکی در کتاب «ذکر الشیعة فی أحكام الشریعة» نقل می‌کنند مراد از محاریبی که امام علی (علیه السلام) تخریب می‌کنند محاریب داخل دیوار می‌باشد. (شهید اول، ۱۴۱۹؛ ج ۳، ص ۱۲۳)، علامه مجلسی در تفسیر و تبیین کراهت محاریب داخل دیوار می‌فرمایند: این محراب‌ها بر دو قسم هستند:

قسم اول: محرابی که در داخل مسجد با بنا شدن دو دیوار در سمت قبله ایجاد می‌شود و دارای سقف می‌باشد تا امام داخل محراب شود و این کار را معمولاً خلفا جور به خاطر ترس از دشمنانشان انجام می‌دادند.

قسم دوم: محرابی است داخل در اصل بنا است به این صورت که در اصل دیوار مسجد بنا می‌شود.

به تفسیر علامه مجلسی آن محرابی که در روایت آمده که امام علی (علیه السلام) آنها را تخریب می‌کردند به قسم اول مناسب‌تر می‌باشد. با اینکه احتمال دومی هم می‌باشد. اکثر علما قائلند قسم اول محراب نهی شده است. (علامه مجلسی، بی تا، ج ۸۰، ص ۳۵۳).

۴. عدم تزیین مسجد با طلا و ...

یکی از وظائف مهم مسلمانان تعظیم و بزرگداشت و اهمیت دادن به شعائر الهی و اسلامی است. خداوند می‌فرماید: «هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد؛ این کار نشانه تقوای دل‌هاست. (حج، ۳۲)» و در بین مسلمانان اعم از شیعه و سنی، اهمیت دادن، محترم شمردن و عظمت و شکوه دادن به مساجد یکی از شعائر محسوب می‌شود و به همین خاطر مسلمانان در تمام بلاد اسلامی، مساجد را به صورت مجلل و باشکوه و با عظمت بنا می‌کنند و هر کدام بر حسب فرهنگ، آداب، رسوم، و بافت اجتماعی و سنتی خود، از نقشه‌ها و معماری‌های خاصی استفاده می‌نمایند. شاهد بر این مطلب مساجد رفیع، با عظمت و آراسته شده‌ای است که در اکثر کشورهای اسلامی به چشم می‌خورد.

اما تعظیم شعائر نیز باید در محدوده‌ی شریعت صورت بگیرد و هرگونه عملی که منافات با شرع داشته باشد نباید انجام پذیرد. تزیین و تعظیم مسجد از شعائر است، اما در تزیین آن از هر امری نمی‌توان بهره برد. با مراجعه به متون فقهی فریقین، تزیین مساجد از مسائلی است که مورد بحث و بررسی قرار گرفته و در آن، اختلاف اقوال وجود دارد البته تزیین، مصادیق زیادی دارد، از جمله تزیین با طلا و نقره، رنگ زدن مساجد.

در مذهب تشیع، اکثر قریب به اتفاق علماء، قائل به حرمت تزیین مساجد به صورت طلا و نقره هستند. (شهید ثانی، ۱۴۱۳؛ ج ۱، ص ۳۲۷) البته بعضی از معدود علمایی هم که حرمت را قبول ندارند، قائل به کراهت هستند. (شهید اول، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۷۸) از این رو مردم به تبعیت از بزرگان خود از تزیین مساجد به این صورت خودداری می‌کنند و در مساجد آنان چنین چیزی مرسوم نیست.

به نظر می‌رسد که آراستن و تزیین و طهارت و پاکیزگی مساجد در حدی که منزلت و شرافت آن ایجاب می‌کند، کار حرام و قبیحی نیست. خداوند می‌فرماید: «خانه‌هایی (مساجد) که خداوند اذن فرموده که رفیع و با عظمت ساخته شود.» (نور، ۲۴، آیه ۳۶) سیوطی در ذیل این آیه نقل می‌کند که: «رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به ما امر نموده که در نزدیکی خانه‌های خود مساجدی بسازیم و از صنایعی بدیع در آن استفاده کنیم و آن را پاکیزه نگاه داریم. (سیوطی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۲۰۳)». همچنین ابن ابی حاتم از علماء قرن دوم هجری در ذیل آیه «ترفع» را به معنای «تعظیم» (تعظیم شود) گرفته و در تفسیر آیه می‌گوید: «خداوند اذن داده به ساختن مساجد و تعظیم و بزرگداشت آن و امر کرده به آبادانی و پاکیزه و ظاهر نگاه داشتن آن.» (ابن ابی حاتم، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۶۰۵).

از این رو گذشته از اینکه به صورت عمومی تزیین مسجد در حد عرف و تا جایی که شرع نهی نکرده است مطلوب می‌باشد، امر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بر ساختن مسجد با سنگ سفید و نیز منقش کردن بیرون مسجد با سنگ کذان (نوعی سنگ مایل به سفید) تأکید در صورت عمومی تزیین و از مطلوبیت‌ها در تزیینات مساجد می‌باشد. (علامه مجلسی، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۱۲۵) بنابراین تزیین معمولی مسجد که خارج از دایره شرع و عرف نباشد مشکلی نداشته بلکه مطلوب نیز است، اما با توجه به اینکه مسجد برای ذکر و خضوع ساخته و بنا شده به این خاطر هر نوع تزیینی که انسان را از یاد خدا دور می‌کند باید در بنا و تزیین

مسجد اجتناب کرد تا کاربری مسجد تغییر نکند. (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ ج ۱۲، ص ۳۷۱) پس هر چیزی که ذهن انسان را مشغول و از خدا غافل می‌کند نباید بنا شود. در حدیث نیز از تزیین مسجد با تزخرفات نهی شده است چرا که این عمل سبب غفلت از یاد خدا می‌شود.

نتیجه‌گیری

مسجد اسلامی؛ مسجدی ساده و شاخص، دارای نوآوری در فرم، بر اساس تفکر و اندیشه اسلام و انقلاب و فقهی پویا، اصول معماری گذشته، منطبق با تکنولوژی پیشرفته و بومی و احترام به محیط زیست و با توجه به تمامی نیازهای مخاطبان خود؛ می‌باشد. اهم مواردی که در بعد معماری به صورت بایدها از آنها بحث شد و عبارت بود از: گنبد داشتن مسجد، حریم داشتن مسجد، داشتن صحن و شبستان متناسب با ظرفیت شهر و پیش‌بینی جمعیت آیندگان، رعایت استحکام بنا، مدیریت انرژی با رعایت مصالح و رنگ دیوار و پنجره‌های متناسب، تعبیه جاکفشی در ورودی مسجد، تعبیه مکانی صرفاً برای وضو در مسجد و داشتن مکان آموزشی در مسجد برای آموزش معارف دینی، تفکیک مکان بانوان از آقایان در ورودی و مکان تجمع و برخی موارد دیگر که به تفصیل از آنها سخن گفته شد.

همچنین اهم مواردی که در بعد معماری به صورت نبایدها از آنها بحث شد و بیان گردید که ساخت مناره‌ها نباید به صورتی باشد که اشراف به منازل همسایگان داشته باشد. دیوارهای مساجد به صورت دندان‌هوار نباید بنا گردند. از تعبیه قبرستان در بخشی از مسجد خودداری شود. سرویس بهداشتی به دلیل مسائل نجاست و طهارت نباید در حریم مسجد باشد. درب مسجد به سمت قبله نباشد و مسجد در حریم راه بنا نشود. از تزیین مسجد با طلا و همچنین از نصب صورت برای تزیین خودداری شود و بهتر است برای اینکه مسجد در ظاهر زیبایی اسلامی داشته باشد، روی دیوار آن کتیبه‌ای که مزین به آیات الهی است، استفاده شود.

وضعیت کلی شاخصه‌ها در مساجد امروز ایران در سطح نامطلوبی قرار دارد. مساجد مطرح چند سال اخیر کشور نیز به ندرت از کمترین سطح مطلوبیت کافی برخوردارند. پیشنهاد می‌شود پژوهش در این حوزه ادامه یابد و شورایی تخصصی متشکل از خبرگان معماران مساجد و فقهای متخصص حوزه معماری مسجد تشکیل و عملاً گامی مؤثر در

جهت طراحی، اجرا و الگوسازی مساجد انقلاب اسلامی ایران برداشته شود. پیشنهاد می‌شود که دستورالعمل واحدی در امور مربوط به مساجد طبق آموزه‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) تدوین شده و با ایجاد زیرساخت‌های لازم و فرهنگ‌سازی بانیان مساجد را ملزم به رعایت آن بکنند. البته دستورالعمل واحد مربوط به اصول و ارکان است و ممکن است در برخی موارد جزئی با توجه به قومیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف تعدد سلیقی وجود داشته باشد. وجود وحدت رویه متکی به معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) سبب خواهد شد که فرهنگ اهل بیت (علیهم‌السلام) در امر بنای مساجد همیشه زنده بماند. همچنین این رویه باعث می‌گردد، فرهنگ‌های غربی غلط که در صدد نفوذ به تمامی نهادهای فرهنگی و از آن جمله معماری است، راه نیابند.

منابع

قرآن کریم.

۱. ابن ابی حاتم. (بی تا). تفسیر القرآن العظیم، بیروت، مکتبه العصریه.
۲. ابن ادريس حلی، محمد بن منصور بن احمد. (۱۴۱۰). السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴). لسان العرب، بیروت، دار صادر.
۴. اشتهاودی، علی پناه. (۱۴۱۷). مدارک العروة (للإشتهادی)، ۳۰ جلد، تهران، دار الأسوة للطباعة و النشر، چاپ اول.
۵. بمانیان، سیلوايه، محمدرضا. (۱۳۹۱). «بررسی نقش گنبد در شکل دهی به مرکزیت معماری مسجد»، مجله معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره ۹.
۶. بیهقی، احمد بن حسین. (۱۴۱۹). السنن الکبری، بیروت، دارالفکر.
۷. حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۹). هداية الأمة إلى أحكام الأئمة - منتخب المسائل، قم، مؤسسه آل البيت (عليهم السلام).
۸. دهخدا، علی اکبر. (بی تا). لغت نامه، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲). مفردات ألفاظ القرآن؛ دمشق، دار العلم، چاپ اول.
۱۰. رحمتی، انشاء الله. (۱۳۹۰). هنر و معنویت (مجموعه مقالاتی در زمینه حکمت و هنر). تهران، ترجمه و نشر آثار هنری متن.
۱۱. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۰۳). الدر المنثور، بیروت، دار الفکر، چاپ اول.
۱۲. شهید اول، محمد بن مکی عاملی. (۱۴۱۹ق). ذکری الشیعة فی أحكام الشریعة، ۴ جلد، قم، مؤسسه آل البيت (عليهم السلام)، چاپ اول.
۱۳. شهید ثانی، جبعی عاملی. (۱۴۱۳). مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۱۴. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۴۱۳). من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ دوم.
۱۵. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (بی تا). علل الشرائع، قم، مکتبه الداوری.
۱۶. صادقی تهرانی، محمد. (۱۴۰۶). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، طهران، انتشارات فرهنگ اسلامی.

۱۷. صحراگرد، مهدی. (۱۳۸۶). مجموعه مقالات خوشنویسی. تهران، فرهنگستان هنر.
۱۸. طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۳۶۳). المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم: مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء (امیرکبیر).
۱۹. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ق). الخلاف، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، تهران - ایران، چاپ سوم.
۲۰. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الإمامية، ۸ جلد، تهران، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، چاپ سوم.
۲۱. عطاردی، عزیزالله. (۱۴۰۱)، ایمان و کفر - ترجمه ایمان و الکفر بحار الانوار، قم، عطارد.
۲۲. عقلمند، سهیلا و نیکو. (۱۳۹۹)، ارتقا آسایش بصری شهروندان با تاکید بر خط آسمان در نظر شهری، کنفرانس بین المللی انسان، معماری، عمران و شهر.
۲۳. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر. (۱۴۱۲). منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مجمع البحوث الإسلامية، مشهد، اول.
۲۴. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر. (۱۴۱۹). نهاية الأحكام فی معرفة الأحكام، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، چاپ اول.
۲۵. فراهتی، عباسعلی. (۱۳۸۲). نگاهی به تاریخ آموزش در مساجد، کاشان، دانشگاه کاشان.
۲۶. کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). الکافی، ۸ جلد، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم.
۲۷. المتقی الهندی، علاءالدین علی. (۱۴۰۱). کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، محقق: بکری حیانی، بیروت، مؤسسه الرساله، چاپ پنجم.
۲۸. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۱۹). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (علیهم السلام)، محقق: علوی، عبدالزهراء و محمودی، محمدباقر، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ اول.
۲۹. مجلسی، محمدتقی. (۱۴۰۶). روضة المتقين فی شرح من لا يحضره الفقيه، مصحح: موسوی کرمانی، حسین و اشتهااردی علی پناه، قم، انتشارات مؤسسه فرهنگ اسلامی کوشانبور.
۳۰. مجلسی، محمد بن باقر بن محمد تقی. (۱۳۶۳). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، مصحح هاشم رسولی، تهران، دارالکتب الإسلامية.
۳۱. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳). الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید.

۳۲. نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم.
۳۳. ورام، ابن ابی فراس. (۱۴۰۹). مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، بیروت، دارالتعارف.